



گزارش



اجرای طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور

حیات جمعی و وجود گرمای اجتماعی به مثابه پادزهری برای نابسامانی‌های اجتماعی، تقویت وفاق و هم‌گرایی اجتماعی، وجود حسن‌نیت، حمایت و همدلی متقابل در بین افراد، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی را خاستگاه اعتنای به سرمایه اجتماعی دانسته‌اند. امری که امروزه قرین با کاهش آسیب‌های اجتماعی و تقویت نظم اجتماعی پویا و توسعه اجتماعی است. به گواهی نوشته‌های نظری و سیاستی در باب فرایند توسعه یک کشور در کنار انواع سرمایه (اعم از: طبیعی، فیزیکی، مالی و انسانی) سرمایه اجتماعی هم به‌مثابه برون‌داد و هم درون‌داد توسعه به‌شمار می‌آید. به‌گونه‌ای که نبود سرمایه اجتماعی را حلقه مفقوده توسعه، نظم و پویایی جامعه دانسته‌اند و پرسش‌هایی چون سرمایه اجتماعی چیست؟ چه وضعیت و توزیعی در جامعه دارد؟ چگونه تولید می‌شود؟ چگونه دچار فرسایش می‌شود؟ چه اشکالی پیدا می‌کند؟ این اشکال چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ هر کدام از چه نقاط قوت و ضعفی برخوردار هستند؟ و در نهایت سرمایه اجتماعی چه نقشی در تحقق نظم اجتماعی دارد؟ پرسش‌های کلیدی مبحث منابع اجتماعی و حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی هستند. با چنین پنداشتی چگونگی و کم‌وکیف روابط اجتماعی نقش کلیدی در ارتباط با سرمایه اجتماعی پیدا می‌کند زیرا کم‌وکیف روابط اجتماعی، تعیین‌کننده چگونگی نظم

چگونگی روابط بین افراد، جمع‌های انسانی، سازمان‌ها و نهادها، همواره موضوعی بسیار مهم برای مقامات اجتماعی و سیاسی هر کشور بوده است، چرا که تعاملات و پیوستگی‌های بین افراد، در ساختن و پایداری جمع‌های انسانی و جامعه بزرگ‌تر، نقش محوری دارد؛ تا جایی که روابط و تعاملات اجتماعی به‌مثابه دارایی و ثروت تلقی شده که از آن می‌توان برای افزایش منابع در اختیار و یا ایجاد منابع جدید استفاده کرد. در آغاز، تصور بر این بود که صرفاً سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی، مالی و انسانی استعداد و توان اثرگذاری در فرایند تولید و افزایش ثروت و داشته‌های یک جامعه را دارند، در حالی که در عصر نوین، شاهد نگاه تازه‌تری هستیم که از وجود و سهم سرمایه جدیدی با عنوان سرمایه اجتماعی، حکایت می‌کند. سرمایه‌ای که مولد و مقوم پایداری و حفظ نظم اجتماعی پویاست. این سرمایه، به‌رغم این که در چند دهه اخیر گستره قابل توجهی در نوشته‌های نظری و سیاستی حوزه اجتماعی پیدا کرده است، لیکن با دقت در محتوا و هسته اصلی تشکیل‌دهنده آن یعنی کم‌وکیف روابط و پیوندهای اجتماعی، متوجه می‌شویم که قدمت سرمایه اجتماعی محدود به چند دهه اخیر نمی‌شود؛ بلکه می‌توان آن را درآموزه‌های دینی و اخلاقی، اندیشه اندیشمندان و صاحب‌نظران قدیمی‌تر نیز ردیابی کرد. در دوره جدید، توجه به سرزندگی

اجتماعی جامعه است. جوهر و خمیرمایه سرمایه اجتماعی را در نظام روابط و تعاملات اجتماعی در مقیاس‌های خرد، میانی و کلان جست‌وجو می‌کنند و بر این مبنا، سرمایه اجتماعی، بیانگر کم‌وکیف روابط اجتماعی و نحوه تعاملات کنشگران اجتماعی است و شدت و کیفیت روابط و تعاملات بین افراد و گروه‌ها، احساس تعهد و اعتماد دوجانبه به هنجارها و ارزش‌های مشترک را شامل می‌شود. وزن و تنوع روابط و تعاملات

سازه سرمایه اجتماعی صرفاً یک سازه نظری نیست، بلکه یک سازه سیاستی هم هست که امروزه جایگاه مهمی در امر سیاست‌گذاری عمومی و اجتماعی پیدا کرده است.

عام‌گرایی، مشارکت اجتماعی، تعامل و بده‌بستان اجتماعی، وجود ارزش‌های اخلاقی و هنجارهایی چون: نوع‌دوستی، صداقت، وفای به عهد، قانون‌مداری، صلح‌دوستی، تحمل‌پذیری در قبال تنوع و تکثر، تعهد و مسئولیت‌پذیری، امید و باارزش دانستن زندگی، احترام به حقوق شهروندان، احساس وفاداری به تفکر عقلایی و نظم‌پذیری، کارآمدی حکومت، نبود فساد، نبود جرم و جنایت، احساس امنیت، آگاهی عمومی، قوام خانواده، خیرخواهی اجتماعی، حمایت

اجتماعی در مقیاس‌های خرد، میانی و کلان، تعیین‌کننده میزان سرمایه اجتماعی است. افزایش و فرسایش سرمایه اجتماعی، حاصل پیامد و نتیجه فعالیت‌های مختلفی است که در مقیاس‌های فردی، سازمانی و نهادی محقق می‌شود. بنابراین، سرمایه اجتماعی، سازه تحلیلی پیچیده و چندوجهی است که به روابط اشاره دارد که با نگاه ساده‌انگارانه قابل بررسی نیست و راه کوتاه و میانبری برای ایجاد آن وجود ندارد. در نوشته‌های نظری و سیاستی علوم اجتماعی، سرمایه اجتماعی، مفهومی چندبعدی، چندسطحی و با شکل‌های مختلف در مقیاس‌های رسمی و غیررسمی، شناخته شده است و برداشت‌های مفهومی و نظری چندگانه‌ای در خصوص آن وجود دارد. بر این مبناست که اهمیت هر نظام، نهاد و سازمان از دریچه دیدگان افرادی که در معرض عملکرد، فعالیت‌ها و نوع مراوده آن‌ها با مردم؛ که شکل‌دهنده بخش وسیعی از ذهنیت و پنداشت افراد جامعه است، سنجای مهم برای سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود. سنجه‌هایی چون: پنداشت از موفقیت و عملکرد نظام و نهادهای اصلی جامعه، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی و سازمانی، اعتماد تعمیم‌یافته،

اجتماعی، نشاط اجتماعی، مطلوب تلقی شدن جامعه و ... به‌مثابه ابعاد و سنجه‌های اصلی سرمایه اجتماعی، شناخته شده است. وسعت و گستردگی هر یک از این ابعاد، موجب شده است که کمتر پژوهشی بتواند تمام آن‌ها را به‌صورت هم‌زمان و یک‌جا، سنجش و تحلیل کند. در نتیجه، در بیش‌تر موارد، پژوهشگران به سنجش یکی از این ابعاد پرداخته‌اند.

سازه سرمایه اجتماعی صرفاً یک سازه نظری نیست، بلکه یک سازه سیاستی هم هست که امروزه جایگاه رفیعی در امر سیاست‌گذاری عمومی و اجتماعی پیدا کرده است. چنین اهمیتی باعث شده است تا فرایند سنجش سرمایه اجتماعی جامعه را به‌مثابه نبض‌سنجی اجتماعی تلقی کنند و بر مبنای داده‌های حاصل از پیمایش‌های سرمایه اجتماعی، چگونگی تغییرات، جهت و آهنگ تغییرات جامعه را در ساحت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و نیز پیامدهای حاصل از سیاست‌گذاری عمومی و اجتماعی را در حوزه‌های چندگانه اجتماعی، شناسایی و تحلیل کنند. با چنین نقش و سهمی که سنجش این سازه دارد، گام نخست از حیث سیاستی این است که یک کشور به‌صورت

منظم داده‌های مربوط به این سازه مهم را در قالب پیمایش‌های منظم و دوره‌ای در برنامه کاری خود داشته باشد؛ چرا که یکی از شیوه‌های پژوهشی مناسب برای شناخت توصیفی، تبیینی و ارزیابانه از پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی است به گونه‌ای که پیمایش‌های اجتماعی ملی به مثابه یکی از مهم‌ترین سازوکارهایی که امکان شناخت پنداشت‌ها و ارزیابی مردم یک کشور را فراهم می‌سازد، تلقی می‌شود و برای آن‌ها کارویژه‌های چندگانه‌ای را متصور می‌شوند که عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- تولید داده‌های اجتماعی در مقیاس ملی؛
- عرضه و ارائه تصویری از واقعیت‌های اجتماعی؛
- واقع‌گرا و شاهد محور کردن امر سیاست‌گذاری اجتماعی؛

- کمک به تولید و گسترش توصیف و تبیین‌های بومی و ملی که خود مقوم دانش بومی و ملی است؛

- تسهیل امر تبیین و تحلیل موضوع از مناظر و رویکردهای مختلف در مجامع علمی و پژوهشی کشور؛

- ارزیابی موفقیت برنامه‌ها و اقدامات انجام‌شده و کمک در راستای مداخله و تعدیل‌های لازم و مناسب.

چنین کارویژه‌هایی موجب شده است تا اجرای پیمایش‌های ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی در قالب موضوعاتی چون: سنجش سرمایه اجتماعی و دیگر موضوعاتی از این دست در دستور کار بیش‌تر مراکز پژوهشی و سیاست‌گذاری جهان قرار گیرد؛ امری که انجام آن در مقیاس ملی برای بیش‌تر کشورهای جهان، واقعیتی پذیرفته شده است. در مقیاس ملی، داده‌های لازم از طریق پیمایش ملی با چارچوب و معیارهای تقریباً معینی، تولید می‌شود که امکان تحلیل‌های مقطعی و طولی را به صورت تطبیقی فراهم می‌سازد و یا این‌که بسیاری از سازمان‌ها به منظور تقویم و تحلیل این سرمایه، به صورت

منظم، به اجرای پیمایش یا بررسی‌های کیفی، برای ارزیابی سرمایه اجتماعی درون‌سازمانی و اجتماعی خود، اقدام می‌کنند.

سنجش سرمایه اجتماعی در ایران در دهه ۱۳۸۰ توجه دستگاه‌های سیاست‌گذاری کشور را به خود معطوف کرد و به صورت مشخص انجام نوبه‌ای آن در برنامه چهارم توسعه، مطرح شد. هر چند که تمام آن‌چه که مصوب این برنامه بود به اجرا در نیامد. در نتیجه، ایده ضرورت اجرای پیمایش ملی سرمایه اجتماعی در دوره جدید در دومین جلسه شورای اجتماعی کشور رقم خورد که پس از طرح موضوع سرمایه اجتماعی و ارائه گزارشی از وضعیت سرمایه اجتماعی کشور بر مبنای پژوهشی که در سال ۱۳۸۳ انجام شده بود، شورای اجتماعی کشور اجرای پیمایش سرمایه اجتماعی را برای سال ۱۳۹۳ تصویب کرد. در پی آن، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با همکاری وزارت کشور و مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) اجرای این طرح ملی را در دستور کار خود قرار دادند. پس از طی مراحل و فرایند علمی، داده‌های این پیمایش در ماه‌های آبان و آذر ۱۳۹۳ در نقاط شهری و روستایی کشور با نمونه‌ای به حجم ۱۴۲۰۰ نفر، جمع‌آوری شده است.

در مدل سنجش سرمایه اجتماعی در مقیاس ملی که در قالب پیمایش اجتماعی مصوب شورای اجتماعی کشور انجام شده است، با لحاظ کردن این واقعیت که سرمایه اجتماعی خصلت چندساحتی در سه سطح کلان، میانی و خرد دارد، بیان مفهومی - نظری شده و در حوزه‌های چهارگانه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تعریف عملیاتی شده است. داده‌های مورد نیاز این مدل مفهومی در سطح ملی در مناطق شهری (در دو نقطه شهری هر استان که یکی از این شهرها، شهر مرکز استان است) و مناطق روستایی کشور (دو تا سه نقطه روستایی مربوط به هر شهر منتخب) جمع‌آوری شده است.

در این طرح، سرمایه اجتماعی در سطح کلان در قالب چهار بعد: ۱. پنداشت از عملکرد نظام در رفع و حل مشکلات؛ ۲. پنداشت در خصوص موفقیت نهادی در اجرا و وظایف نهادی؛ ۳. پنداشت از نکویی جامعه (مطلوب بودن جامعه)؛ و ۴. ارزیابی آینده، سنجش شده است.

سرمایه اجتماعی در سطح میانی در قالب هشت بعد ۱. اعتماد سازمانی؛ ۲. کیفیت خدمات سازمانی؛ ۳. عملکرد و پاسخگویی سازمان‌ها به نیازها؛ ۴. آمادگی مشارکت و کمک به سازمان‌ها در صورت نیاز؛ ۵. اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به گروه‌های شغلی و حرفه‌ای)؛ ۶. دگرخواهی، پرهیزکاری و وظیفه‌شناسی گروه‌های شغلی و حرفه‌ای؛ ۷. عام‌گرایی گروه‌های شغلی و حرفه‌ای؛ ۸. ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی مسئولان، سنجش شده است.

و سرمایه اجتماعی در سطح خرد در قالب هشت بعد ۱. اعتماد عمومی؛ ۲. ارزش‌ها و ویژگی‌های اخلاقی؛ ۳. عام‌گرایی اجتماعی (شعاع اعتماد و تعاملات نزدیک و دور؛ از اعضای خانواده تا غریبه‌ها)؛ ۴. مشارکت اجتماعی؛ ۵. بده بستان اجتماعی؛ ۶. تعلق و عرق ملی؛ ۷. رضایت از زندگی و ۸. احساس امنیت، سنجش شده است.

در اجرای طرح سنجش سرمایه اجتماعی کشور، از روش پیمایش اجتماعی به‌مثابه شیوه‌ای که به کشف و شناسایی ویژگی‌ها، فراوانی و توزیع این ویژگی‌ها و نیز چگونگی روابط متقابل بین متغیرها در یک جامعه معین نظر دارد، استفاده شده است. در سطح تجربی با استفاده از روش مصاحبه حضوری، داده‌های مربوط به چارچوب مفهومی و نظری تعیین شده، جمع‌آوری و چگونگی توزیع و روابط متغیرهای مطالعه‌شده در سطح ملی در قالب جامعه آماری، مطالعه شده است. جامعه آماری این طرح، مجموع افراد بالای ۱۸ سال خانوارهای شهری و روستایی ساکن در ۳۱

استان کشور در زمان اجرای طرح است. هر یک از افراد بالای ۱۸ سال خانوارهای شهری و روستایی ساکن در استان، در زمان اجرای طرح، به‌منزله واحد آماری در نظر گرفته شده است.

نتایج طرح سنجش سرمایه اجتماعی در ۹۴ مجلد شامل: ۳۱ جلد گزارش اجمالی استانی؛ ۳۱ جلد گزارش تفصیلی استانی؛ ۱۸ جلد گزارش دستگاه‌های اجرایی؛ ۱۰ جلد تحلیل ثانویه؛ ۱ جلد مقایسه سرمایه اجتماعی در شهر و روستا و ...، تدوین شده است.

باید توجه داشت که طرح سنجش سرمایه اجتماعی در ایران در مرحله آغازین خود قرار دارد، از حیث چارچوب مفهومی و نظری که پایه اولیه فرایند سنجش را تشکیل می‌دهد و نیز به لحاظ داشتن ابزارهای کمی و کیفی مناسب، با کاستی‌هایی مواجه است که رفع و کاهش این کاستی‌ها در گرو اجرای مکرر و پیوسته این نوع بررسی و نقد عالمانه آن‌ها، از منظر نظری و روش‌شناختی است تا در پرتو آن‌ها بتوان به سنجش و تحلیل این سازه پرداخت. در کشورهای دیگر، مطالعات قابل توجهی صورت گرفته است مانند مطالعه پاتنام در جنوب ایتالیا، مطالعه بالن و اونیکس در استرالیا، مطالعه جانسون و سروکا در کانادا، مطالعات بانک جهانی، مطالعات انجمن سرمایه اجتماعی امریکا، بررسی سرمایه اجتماعی در انگلستان به‌گونه‌ای که می‌توان گفت همه کشورهای صنعتی به‌صورت منظم پیمایش‌های مربوط به سرمایه اجتماعی را در دستور کار خود دارند.

امید است تداوم اجرای این‌گونه مطالعات، باعث ارائه یافته‌های پژوهشی دقیقی از موضوع سرمایه اجتماعی کشور و در نتیجه، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی مناسب برای ارتقای وضعیت سرمایه اجتماعی در کشور شود.

